



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

- بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی
همایون مافی، مانده اصغرزاده
تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری
محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، پوریا ابراهیم زاده
بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف
امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش
حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا
بهنام نورزاده
تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی
اکبر ایمان پور، سه‌نند نجادی ایجادکار
شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر
مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور
چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران
فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی
علیرضا درائی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسین ابوالحسنی
طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران
محمد احمدی، حلما سادات ذریه کرمانشاهی
ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران
محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی
قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران
صادق محبی، محمدعلی جهانی
ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران
سیده الهه بابونکی
بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل
حبیب اله عبدالله پور، سما خدایاری
اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده
لیلا احدی
مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی
رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی
واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش‌های تقنینی و اجرایی
علی بابایی
تأثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل
الهه قربان کریمی
بر مدار مصلحت عالیله کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان‌شناختی تا شناخت خلاهای تقنینی
مونا کمیلی
بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران
امین رضا بهار فلامرزی
تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران
محمد جوکار، ساسان وزین پور
آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران
محمدرضا رضائی
اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تأکید بر رویه قضایی
اسماعیل چوگانی
سیاست کیفری بین‌المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی
علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان
تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا
مرتضی هاشم پور
چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران
امین امینی نژاد
تأثیر اختلال کارکرد قشر پیش‌پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی
حمید غیائی، مهدی شعبان زاده
هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران
پوریا ژولیده
تأثیر مخارج و پدیده دولت بر رشد بازار سهام در ایران
راضیه جنتی نژاد
جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادهای حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری
احمد پدیدار



Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy

مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی

Rojin Masoudi

PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

رژین مسعودی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mrojin@yahoo.com
<http://orcid.org/0009-0007-2077-2787>

Jamal Rezaei Hossein Abadi

Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran

جمال رضایی حسین آبادی

استادیارفقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

irezaiy@ut.ac.ir

Abstract

Retaliation is one of the key and fundamental principles of Islamic criminal law, which is rooted in Quranic teachings and aims to achieve justice, deter crime, and preserve human dignity. This principle, especially in cases of intentional crimes, provides the basis for the implementation of a punishment commensurate with the crime committed and prevents disproportionate or arbitrary violence. Using a descriptive-analytical method, this article examines the concept of retaliation from the perspective of the Quran and Islamic jurisprudence and analyzes its place in Islamic criminal policy. The research shows that retaliation not only has a deterrent and punitive aspect, but also plays a corrective and stabilizing role in social justice and prevents the emergence of injustice and violations of individual rights. Also, a comparative study of this principle with modern criminal approaches shows that retaliation can be inspiring in shaping contemporary criminal policy, especially in the field of ensuring a balance between the rights of the victim and the offender. Finally, this article emphasizes that a precise and scientific understanding of retaliation and an explanation of its place in the Islamic penal system can be a practical guide to creating criminal justice that is appropriate to the needs of today's societies.

Keywords: Retaliation, Criminal policy, Islam.

چکیده

مقابله به مثل یکی از اصول کلیدی و بنیادین حقوق کیفری اسلامی است که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد و هدف آن تحقق عدالت، بازدارندگی از جرم و حفظ کرامت انسانی است. این اصل، به‌ویژه در موارد جنایات عمدی، زمینه اجرای مجازاتی متناسب با جرم ارتكایی را فراهم می‌کند و از اعمال خشونت غیرمتناسب یا سلیقه‌ای جلوگیری می‌نماید. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، مفهوم مقابله به مثل را از منظر قرآن کریم و فقه اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد و جایگاه آن را در سیاست کیفری اسلامی تحلیل می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که مقابله به مثل نه تنها جنبه بازدارنده و تنبیهی دارد، بلکه نقش اصلاحی و تثبیت‌کننده عدالت اجتماعی را نیز ایفاء می‌کند و از بروز بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق افراد جلوگیری می‌نماید. همچنین، بررسی تطبیقی این اصل با رویکردهای نوین کیفری نشان می‌دهد که مقابله به مثل می‌تواند در شکل‌دهی به سیاست کیفری معاصر، به‌ویژه در زمینه تأمین تعادل بین حقوق قربانی و مجرم، الهام‌بخش باشد. در نهایت، پژوهش حاضر تأکید می‌کند که فهم دقیق و علمی مقابله به مثل و تبیین جایگاه آن در نظام کیفری اسلام، می‌تواند راهنمایی عملی برای ایجاد عدالت کیفری متناسب با نیازهای جوامع امروز باشد.

واژگان کلیدی: مقابله به مثل، سیاست کیفری، اسلام.

Received: 2026/04/19 - Review: 2026/05/04 - Accepted: 2026/05/23

دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۴/۱۹ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۲۳

ارجاع:

مسعودی، رزین؛ رضایی حسین آبادی، جمال؛ (۱۴۰۵)، مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

تحقق عدالت یکی از مهم ترین اهداف هر نظام حقوقی و اجتماعی است و نقش آن در تنظیم روابط انسانی و حفظ نظم جامعه غیر قابل انکار است. در نظام حقوق کیفری اسلامی، عدالت از طریق تعیین مجازات های متناسب با جرم و حفاظت از حقوق فردی و اجتماعی تأمین می شود. یکی از اصول بنیادین این نظام، اصل «مقابله به مثل» است که ریشه در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) دارد و هدف آن ایجاد توازن و بازدارندگی، جلوگیری از بی عدالتی و صیانت از حقوق افراد و جامعه است. مقابله به مثل، به معنای مجازات متناسب با جرم ارتكابی است و در حقیقت، تلاشی برای بازگرداندن تعادل اجتماعی و تضمین انصاف در اجرای مجازات ها به شمار می آید. با پذیرش اصل جواز مقابله به مثل برای حکومت اسلامی از راه آیات، دیدگاه امکان اقدام متقابل دولت اسلامی و مقابله به مثل، دقیقاً متناظر و مشابه تعدی صورت گرفته از جانب دشمن پذیرفته نشده است و اثبات گردیده که جریان قاعده مقابله به مثل، نسبت به غیر نظامیان و با استفاده از روش های غیر انسانی و سلاح های کشتار جمعی، با محدودیت ها و ممنوعیت هایی مواجه است (هوشمند فیروز آبادی، ۱۳۹۴، ۱۳۱).

نکته قابل توجه این است که سیاست کیفری اسلام نه تنها بر تنبیه و بازدارندگی تأکید دارد، بلکه

اهدافی انسانی و اجتماعی مانند اصلاح مجرم، جلوگیری از خشونت‌های خودسرانه و حفظ کرامت انسانی را نیز دنبال می‌کند؛ بنابراین، مقابله به مثل در چهارچوب سیاست کیفری اسلامی، هم ابزار بازدارنده و هم ابزاری برای تثبیت عدالت و صلح اجتماعی محسوب می‌شود. تحلیل جایگاه مقابله به مثل در سیاست کیفری اسلامی، علاوه بر جنبه‌های فقهی و حقوقی، از نظر جامعه‌شناختی نیز اهمیت دارد. این اصل، با تعیین حدود مشخص برای مجازات، از تجاوز به حقوق قربانی جلوگیری می‌کند و در عین حال، از اعمال خشونت‌های افراطی توسط دولت یا جامعه پیشگیری می‌نماید. از سوی دیگر، مقابله به مثل به عنوان یک قاعده اساسی، در هماهنگی با دیگر اصول کیفری مانند تعادل مجازات، پیشگیری از جرم و اصلاح مجرم عمل می‌کند و می‌تواند به عنوان الگویی برای سیاست کیفری معاصر مورد استفاده قرار گیرد (حسینی دولت آباد و دوستکان، ۱۴۰۱، ۱۱).

در این پژوهش در سایه دستیابی به عدالت و حفظ کرامت انسانی در پی تطبیق مقابله به مثل با سیاست کیفری نوین در پرتو قرآن کریم می‌پردازیم و در صدد آن هستیم که عدالت کیفری را با فلسفه بازدارندگی، با مسائل مربوط به مقابله به مثل افزایش دهیم.

۱- کلیات نظری

۱-۱- مفهوم مقابله به مثل در قرآن کریم

مقابله به مثل، ترکیبی از دو واژه «مقابله» و «مثل» است. «مقابله»، مصدر ثلاثی مزید «قابل» است و «قابل» به معنای رودرروی کسی قرار گرفتن، معارضه کردن با کسی و مواجه شدن آمده است (آذرنوش، ۱۳۷۹، ۵۲۵). مقابله نیز به مواجه شدن، روبروشدن و مقایسه کردن در فارسی معنا شده و نیز به معنای مقایسه، تساوی، برابری، عوض کردن، تلافی کردن، رویارویی، ضدیت و مخالفت آمده است. مثل، هم مترادف، مانند، نظیر همتا و شبه آمده است. ترکیب دو واژه؛ یعنی «مقابله به مثل» را به معنای تلافی کردن و بدی یا نیکی کسی را به عینه عوض دادن آورده‌اند.

قرآن کریم در منابع مختلف خود به موضوع مقابله به مثل و تعیین میزان مجازات متناسب با جرم

اشاره کرده و آن را به عنوان یکی از اصول عدالت کیفری مطرح می‌سازد. یکی از آیات برجسته در این زمینه آیه ۱۷۹^۱ سوره بقره است که به طور ضمنی به اصل قصاص یا «بازگشت مجازات به اندازه جرم» اشاره می‌کند: این آیه به روشنی بیان می‌دارد که قصاص یا بازخواست متناسب، نه تنها یک مجازات بازدارنده است، بلکه «حیات» و امنیت اجتماعی برای جامعه دربردارد، زیرا با قرار دادن حدود مشخص برای مجازات‌ها، از تکرار خون‌ریزی و بی‌عدالتی جلوگیری می‌کند و به حفظ نظم کمک می‌کند. علاوه بر این، آیه ۱۲۶^۲ سوره نحل تصریح می‌کند که مواجهه با ظلم باید به همان اندازه و به همان صورت باشد، نه بیشتر و نه کمتر که خود یکی از مصادیق روشن قاعده «مقابله به مثل» در قرآن کریم است.

در مجموع، این آیات نشان‌دهنده آن هستند که قرآن کریم مقابله به مثل را نه به صورت انتقام شخصی، بلکه به عنوان قاعده‌ای قانونی و محدودکننده در نظام کیفری معرفی می‌کند که هدف آن بازدارندگی و حفظ نظم اجتماعی است (میرعلی و عارفی، ۱۳۹۸).

۱-۱-۱- اصطلاحات قرآنی مقابله به مثل

در قرآن کریم، برای «مقابله به مثل» عباراتی به کار رفته که برخی، اخص و بعضی مطابق آن هستند؛ از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اعتدای به مثل: آیه ۱۹۴ سوره بقره می‌فرماید: «فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ». «راغب» در مفردات، اعتداء را تجاوز از حق، تعریف می‌کند و با تقسیم اعتداء به ابتدایی و مقابله‌ای می‌گوید: اعتداء در این آیه؛ یعنی هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن، بر او تعدی و تجاوز کنید^۳ (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۵۵۴).

معاقبه به مثل: قرآن کریم می‌فرماید: و هر گاه خواستید کیفر کنید، تنها به مقداری که به شما

۱- وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا اُولِی الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

۲- وَانْ عَاقِبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ

۳- قابلوه بحسب اعتدائه و تجاوزوا إليه بحسب تجاوزه

تعدی شده، کیفر دهید. ^۴ «معاقبه»، به کیفر و جزاء معنا شده است (بستانی، ۱۳۷۵، ۸۳۷) و برخلاف عاقبت که مختص ثواب است؛ مانند «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» ^۵ معاقبه و عقوبت، مختص عذاب دانسته شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۵۷۵).

قصاص: عنوان دیگری که بر مقابله به مثل، قابل تطبیق است، تعبیر قصاص است. آیه ۱۷۸^۶ و آیه ۱۹۴^۷ سوره بقره از مواردی است که این تعبیر به کار رفته است. قصاص از ریشه «قص» با تشدید، به معنای کیفر گناه و عمل مقابله به مثل آمده است (بستانی، ۱۳۷۵، ۶۹۶). آلوسی درباره این آیه می‌گوید: «گفته شده که قصاص با حرف «فی» متعدی می‌شود؛ زیرا مفهوم مساوات در آن ملحوظ شده؛ یعنی با انسان، مثل رفتار خودش رفتار کنند» (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ۴۴۵).

نبد سواء: نبد سواء یا مساوی، تعبیر دیگری است که در آیه ۵۸^۸ سوره انفال به کار رفته و مفهوم مقابله به مثل را می‌رساند. در لغت، نبد را به معنای انداختن شیء و طرحش به خاطر قلت اعتماد و اطمینان دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۷۸۸). «فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ» از «نبد»، به معنای افکندن است. مراد از افکندن پیمان به طرف دشمن، این است که قبلاً به آنان اعلام کنید و سپس پیمان را لغو نمایید تا غافلگیر نشوند و شما هم ناجوانمردی نکرده باشید. تعبیر به «علی سواء» هم یا به معنای این است که همان گونه که آن‌ها پیمان خویش را عملاً لغو کرده‌اند، تو هم از طرف خودت الغاء کن؛ یعنی همان مقابله به مثل و یا این که به معنای اعلام کردن به یک روش واضح و بی‌پیرایه و خالی از هرگونه خدعه و نیرنگ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۱۹). علامه طباطبایی، از این برخورد عادلانه به «مقابله به مثل» تعبیر کرده است (طباطبایی، ۱۴۰۱، ۱۱۳).

۴- آیه ۱۲۶ سوره نحل

۵- آیه ۸۳ سوره قصص

۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى

۷- وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ

۸- وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ

جزای مثل: مراد از جزای مثل، مجازات همانند است: کیفر بدی، مجازاتی همانند آن است.^۹ راغب، جزاء را کفایت در مقابله معنا کرده که هم می‌تواند مقابله شر به شر باشد و هم مقابله خیر به خیر (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۱۹۵). مقصود ایشان از مقابله خیر با خیر، جزایی است که در آیه احسان آمده است: آیا جزای نیکی جز نیکی است؟^{۱۰} تعبیر جزای به مثل، مطابق تعبیر مقابله به مثل است. بنابراین، از میان این عبارات قرآنی، عنوان «جزاء» با مقابله به مثل مطابقت دارد، اما سایر معانی، چون صرفاً به جنبه مجازاتی و کیفری مقابله به مثل اشاره دارند، اخص تلقی می‌شوند.

۲-۱-۱- مبانی فقهی مقابله به مثل

فقه اسلامی قاعده مقابله به مثل را به‌عنوان یکی از اصول کلیدی حقوق جزا پذیرفته است و آن را تحت عنوان قصاص در ابواب جنایی تعبیه کرده است. در فقه، قصاص به معنای بازتولید مجازات هم‌تراز با جرم است، به گونه‌ای که نه بیش از حد و نه خارج از چهارچوب عدالت انجام پذیرد. آیه ۱۷۹ سوره بقره، از منظر فقهی به این معنا است که وجود حدود مشخص در مجازات‌ها خود موجب حفظ حیات و بازدارندگی می‌شود، زیرا هر کس می‌داند که تجاوز به جان دیگران، پاسخ متناسب خواهد داشت.

فقه استنباط کرده‌اند که اجرای قصاص باید با رعایت شرایط دقیق مانند احراز جرم، عدالت در اثبات و عدم تجاوز و افراط صورت گیرد. به همین دلیل، در فقه اسلامی اصل «عدالت کیفری» به‌خوبی در کنار مقابله به مثل قرار می‌گیرد و زمینه‌های تطبیق آن با اصول فقهی دیگر مانند عدالت، حفظ نظم عمومی و حفظ کرامت انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین، آیه ۱۱۲۶ سوره نحل که به ضرورت مقابله به مثل در همان اندازه تأکید دارد، یکی دیگر از مبانی اصلی فقهی برای تضمین انصاف در مجازات است؛ زیرا فقه اسلامی با استناد به این آیه، هرگونه افراط در مجازات را خلاف

۹- آیه ۴۰ سوره شوری

۱۰- آیه ۶۰ سوره الرحمان

۱۱- وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَوْفَيْتُمْ بِهِ وَكُنْ صَبِرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

عدالت می‌داند و آن را مردود می‌پندارد.

در مجموع، مبانی فقهی مقابله به مثل مبتنی بر نصوص قرآن کریم، توجه به تناسب مجازات با جرم، تضمین عدالت قضایی و بازداری از تجاوزات بیشتر است که در منابع فقهی کلاسیک و معاصر مورد تأکید قرار گرفته است. لذا در قبال تهاجم دشمنان به کیان نظام اسلامی؛ به‌ویژه در محیط بین‌المللی، دفاع مشروع، از نخستین حقوق مسلم به شمار می‌رود. ممکن است علاوه بر دفاع، اقدامات متقابلی هم ضرورت و توجیه داشته باشد (هوشمند و جاور، ۱۳۹۴، ۸۰).

۱-۲- تفاوت مقابله به مثل با مجازات انتقامی در سایر مکاتب حقوقی

در سایر مکاتب حقوقی، به‌ویژه در برخی نظام‌های کیفری تاریخی و سنتی، «انتقام» معنای اصلی مجازات بوده است؛ یعنی عمل مجازات‌گرایانه که با هدف تنبیه خشن علیه مجرم صورت می‌گیرد، حتی اگر بیش از جرم واقع شود. این رویکرد غالباً فاقد معیارهای دقیق عدالت و تناسب است و می‌تواند به واکنش‌های بی‌حد و حصر منجر شود. در مقابل، مقابله به مثل در اسلام که در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته، یک مجازات محدود، قانونی و متناسب با جرم است. همان‌گونه که آیات قرآن کریم تأکید می‌کنند، هدف مقابله به مثل نیست که صرفاً خشونت یا انتقام‌جویی را تشویق کند، بلکه هدف حفظ امنیت، تناسب در مجازات و بازدارندگی حقوقی است (میرعلی و عارفی، ۱۳۹۸). آیات ۱۷۹ سوره بقره و ۱۲۶ سوره نحل بیانگر این نکته‌اند که مجازات باید به‌طور دقیق و عدالت‌محور باشد و نه واکنشی بی‌حد و تجاوزکننده.

بنابراین، تفاوت اصلی بین مقابله به مثل در قرآن کریم و مجازات انتقامی در دیگر مکاتب حقوقی در وجود معیار روشن تناسب، رعایت عدالت و محدود کردن واکنش است که قرآن کریم به‌روشنی برای آن دستور ارائه داده و فقه اسلامی آن را در سیاست کیفری شرعی وارد کرده است.

۳-۱- تحلیل آیه ۱۲۶ سوره نحل

۳-۱-۱- متن آیه

این آیه در لغت از فرمان عدالت متناسب در مجازات سخن می‌گوید و سپس بر فضیلت صبر در برابر ظلم تأکید می‌کند، به گونه‌ای که صبر را بهتر از مقابله به مثل معرفی می‌کند (میرعلی و عارفی، ۱۳۹۸). برخی محققان شأن نزول را مرتبط با جنگ احد می‌دانند، زمانی که مسلمانان خواستند انتقام شدید بگیرند و آیه آن‌ها را به عدالت و بردباری فرا خواند. در مقابل، دیدگاه‌هایی نیز وجود دارد که آیه را عمومی برای همه مسلمانان در تمام زمان‌ها می‌دانند و نه فقط مختص آن واقعه تاریخی.

۳-۱-۲- تحلیل واژگان کلیدی و مفهوم «مقابله به مثل» در آیه

برای فهم عمیق این آیه، واژگان کلیدی آن باید بررسی شوند: *عَاقِبَتُمْ/فَعَاقِبُوا*: از ریشه عقب به معنای پاسخ دادن، کیفر دادن، یا مجازات کردن در برابر ظلم است. این واژه دلالت بر واکنش رسمی و معین به ظلم دارد، نه واکنش خودسرانه. *بِمِثْلِ مَا عُوِفْتُمْ بِهِ*^{۱۲}: این عبارت نشان‌دهنده اصل تناسب است که در فقه اسلامی محور عدالت کیفری قرار دارد و می‌گوید مجازات نباید بیشتر از جرم باشد. *وَكُنْ صَبْرًا*^{۱۳}: این بخش آیه را از یک دستور صرف کیفری به سوی یک گزینه اخلاقی و تربیتی سوق می‌دهد که صبر و پرهیز از انتقام را فضیلت می‌داند. *لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ*^{۱۴}: جمله پایانی تأکید می‌کند که حتی در مواردی که اجازه برخورد داده می‌شود، بردباری و گذشت بر مقابله به مثل ارجح است و به رشد اجتماعی و اخلاقی کمک می‌کند.

با توجه به این واژگان، «مقابله به مثل» در این آیه فقط به معنای عدالت در پاسخ به ظلم است و نه انتقام‌جویی بی‌حد. قرآن کریم این اصل را در چهارچوب قانون و عدالت قرار داده و هم‌زمان فضیلت صبر و گذشت را توصیه می‌کند.

۱۲- به همان اندازه‌ای که بر شما عمل شده است

۱۳- و اگر صبر کنید

۱۴- این برای صابران بهتر است

۳-۱-۳- دیدگاه مفسران و فقها درباره این آیه

تفاسیر و دیدگاه‌های فقها نشان می‌دهد که این آیه در باب عدالت کیفری، تناسب مجازات و فضیلت صبر مورد توجه قرار گرفته است.

ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید خداوند عدالت در مجازات و انصاف را امر کرده است. وی نقل می‌کند که مفسران گفته‌اند «اگر می‌خواهید عقوبت کنید، باید به همان اندازه که به شما ظلم شده مجازات کنید»؛ این دیدگاه تأکید بر تناسب دقیق مجازات با جرم دارد و نشان می‌دهد هدف از آیه جلوگیری از افراط در تلافی است. در تفسیر اثنی‌عشری آمده است که پس از جنگ احد و مثله شدن بدن صحابه مثل حمزه (رض)، مسلمانان خواستند به همان شکل تلافی کنند، ولی آیه نازل شد که تنها همان مقدار عدالت اعمال شود و از تجاوز به حد عدالت جلوگیری کند. تفاسیر دیگر، از جمله تفسیرهای فقهی اهل سنت، بیان می‌کنند که این آیه اصل قصاص^{۱۵} را در حقوق اسلامی تأیید می‌کند و نشان‌دهنده این است که در موارد قتل یا جراحات، مجازات باید به همان اندازه جرم باشد و نباید با افراط همراه باشد.

۴-۱- جایگاه مقابله به مثل در سیاست کیفری اسلامی

۴-۱-۱- نقش بازدارندگی و اصلاحی

اول- بازدارندگی به‌عنوان فلسفه اصلی مقابله به مثل: یکی از اهداف مهم تعیین مجازات در سیاست کیفری اسلامی، بازدارندگی از ارتکاب جرم است. در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، قصاص به‌عنوان مصداق برجسته مقابله به مثل، بیش از آن که هدف تنبیهی صرف داشته باشد، با هدف بازداشتن دیگران از ارتکاب جرم وضع شده است. این حکم مبتنی بر بازدارندگی اجتماعی و جلوگیری از جرأت‌ورزی مجرمان احتمالی است. در آیه ۱۷۹ سوره بقره نیز خداوند به این نکته اشاره می‌کند که قصاص، موجب «زندگی» است^{۱۶}؛ یعنی بازدارندگی آن از ارتکاب قتل باعث حفظ جان افراد جامعه می‌گردد.

۱۵- کیفری متناسب

۱۶- لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ

دوم- بازدارندگی در سیاست کیفری اسلامی و پیشگیری از انتقام‌های کور: بازدارندگی مقابله به مثل از منظر فقهی نه تنها به جلوگیری از افزایش جرایم منجر می‌شود، بلکه مانع از شکل‌گیری انتقام‌های کور و غیرمنصفانه می‌گردد، زیرا با تعیین معیار «تناسب» و «عدالت»، پاسخ به جرم را در چهارچوب قانونی محدود می‌سازد. به این ترتیب مقابله به مثل از یک واکنش شخصی به یک ساختار قانونی نظام‌مند تبدیل می‌شود که کنترل جامعه نسبت به خودسرانه‌بودن انتقام را افزایش می‌دهد و از بی‌نظمی جلوگیری می‌کند.

۲-۱-۴- تطبیق با اصول عدالت و کرامت انسانی

اول- عدالت کیفری در اسلام و مقابله به مثل: آیین اسلام، عدالت را یکی از اصول اساسی حقوق کیفری می‌داند. عدالت کیفری در این نظام تضمین می‌کند که هر مجازات با تناسب با جرم همراه باشد و کسی بیش از حد عملش مجازات نگردد. این اصل در مقابله به مثل به وضوح دیده می‌شود که در آن تأکید می‌شود مجازات نعمت همانند جرم واقع شده باشد. در قرآن کریم نیز آیات مربوط به قصاص و مقابله به مثل، تناسب مجازات را شرط اجرای آن قرار داده‌اند. در ادبیات فقهی نیز عدالت به عنوان معیار اساسی در تعیین مجازات‌ها مطرح بوده و تأکید می‌شود اجرای مقابله به مثل باید در چهارچوب عدالت و توجه به حقوق قربانی و مجرم انجام گیرد.

دوم- کرامت انسانی و سیاست کیفری اسلامی: مفهوم کرامت انسانی از اصول پذیرفته شده در بسیاری از مکاتب حقوقی مدرن است، اما در اسلام نیز کرامت ذاتی انسان مورد تأکید قرار گرفته است. با این که مقابله به مثل در برخی موارد مجازات بدنی را شامل می‌شود، متفکران اسلامی معتقدند که این مجازات‌ها نباید هتک حرمت انسانی یا توهین به شخصیت فرد باشد. تفسیری در این زمینه بیان می‌کند که مجازات‌های اسلامی، از جمله قصاص، باید با رعایت حرمت و کرامت انسان انجام شود و نباید موجب تحقیر یا توهین به انسان گردد. این نگاه نشان می‌دهد که سیاست کیفری

اسلام، هرچند از اصل مقابله به مثل حمایت می‌کند، اما آن را در قالبی قرار می‌دهد که باید با احترام به شخصیت و کرامت انسانی همراه باشد، به گونه‌ای که مجازات فرد هتک‌کننده کرامت نباشد (حسینی خواه و مقدادی داودی، ۱۳۹۹، ۱۱۱).

۲-۵- محدودیت‌ها و چالش‌های اجرای مقابله به مثل در نظام‌های حقوقی معاصر

اجرای مقابله به مثل در قالب قصاص، اگرچه در فقه و سیاست کیفری اسلامی دارای مبانی روشن است، در عمل و در نظام‌های حقوقی معاصر با چالش‌هایی جدی مواجه است.

چالش‌های حقوق بشری و انتقادات بین‌المللی: یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرای مقابله به مثل، به‌خصوص قصاص، انتقادات جامعه جهانی و معاهدات حقوق بشری است که مجازات‌های بدنی را به‌عنوان تزییع حقوق بشر می‌دانند. منتقدان معتقدند برخی از انواع مقابله به مثل، مانند قصاص بدنی، ممکن است با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر در تعارض باشد، به‌خصوص در مواردی که موجب اعمال خشونت آشکار می‌شود. این موضوع در بسیاری از محافل و اسناد بین‌المللی محل بحث و نقد بوده است.

خطر خطای قضایی و عدالت عملی: از دیگر چالش‌ها، امکان خطای قضایی است. در اجرای مقابله به مثل، به‌ویژه در موارد قتل عمد، چنان چه اشتباهی در روند دادرسی رخ دهد، مجازات شخصی که بی‌گناه است قابل جبران نیست، درحالی‌که مجازات‌هایی مانند حبس امکان بررسی مجدد و شواهد جدید را فراهم می‌کنند. این موضوع یکی از نقدهای مهم منتقدان سیاست مقابله به مثل است (حسینی خواه و مقدادی داودی، ۱۳۹۹، ۱۱۱).

مشکلات اجرایی و ساختاری در نظام حقوقی معاصر: اجرای مقابله به مثل در چهارچوب قوانین مدرن، به‌خصوص در نظام‌هایی که ترکیبی از قانون اسلامی و قوانین مدنی دارند، با پیچیدگی‌های اجرایی نیز مواجه است.

۲- بحث و تحلیل

۲-۱- جمع‌بندی یافته‌های فقهی و قرآنی

مفسران و فقها تصریح کرده‌اند که اجرای قصاص باید با رعایت کرامت انسانی و عدالت انجام شود و هدف آن تنبیه شخص مجرم و جلوگیری از جرایم بعدی است (خطیبی، ۱۴۰۴، ۴۳) بدین ترتیب مقابله به مثل، ضمن جنبه بازدارندگی، به‌عنوان نماد عدالت کیفری اسلامی در نظر گرفته می‌شود و اجرای آن در چهارچوب فقهی محدودیت‌ها و شرایط خاص دارد، از جمله رضایت اولیای دم، احراز قتل عمد و اطمینان از نبود خطای قضایی.

۲-۲- تطبیق با سیاست کیفری نوین

سیاست کیفری نوین به جای تمرکز صرف بر تنبیه بدنی، بر اصلاح، بازپروری و پیشگیری از جرم تأکید دارد، ولی اصول مقابله به مثل می‌تواند به‌عنوان یک چهارچوب عدالت‌محور و بازدارنده مورد بازخوانی قرار گیرد. قصاص به‌عنوان یکی از محوری‌ترین نهادهای حقوق کیفری اسلام و سیاست جنایی ایران، با فلسفه بازدارندگی، تحقق عدالت و حفظ حیات جامعه تبیین شده است. با این حال، اجرای این مجازات در عمل با چالش‌ها و آسیب‌های جدی مواجه است که کارآمدی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (خطیبی، ۱۴۰۴، ۳۰).

۳- پیامدهای پژوهش برای سیاست کیفری و حقوق کیفری اسلامی

بر اساس یافته‌ها، می‌توان پیامدهای عملی و نظری زیر را برای سیاست کیفری و حقوق کیفری اسلامی استخراج کرد.

تقویت فلسفه بازدارندگی و عدالت کیفری: نتایج نشان می‌دهند که مقابله به مثل می‌تواند در سیاست کیفری اسلامی به‌عنوان یک ابزار بازدارنده مؤثر مورد استفاده قرار گیرد، به شرط آن که با نظارت قضایی دقیق و محدودیت‌های فقهی همراه باشد. توجه به کرامت انسانی و اصلاح بزهکار: بازخوانی مقابله به مثل باید با رعایت کرامت انسانی و فرصت اصلاح مجرم همراه باشد. این موضوع

در تطبیق با اصول حقوق کیفری نوین اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند راهکارهای جایگزین مانند مصالحه و دیه را تقویت کند. ارتقاء سازوکارهای قضایی و حقوقی: برای اجرای صحیح مقابله به مثل، نیاز به بازنگری قانونی، آموزش قضات و ایجاد سازوکارهای حمایتی برای قربانی و اولیای دم وجود دارد. هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی: یکی از پیامدهای مهم، ضرورت تطبیق مجازات‌ها با حقوق بشر و قوانین بین‌المللی است. بازخوانی مقابله به مثل باید به گونه‌ای باشد که هم مطابق فقه اسلامی و قرآن کریم باشد و هم در چهارچوب حقوق بین‌الملل قابل پذیرش باشد.

۴- محدودسازی مقابله به مثل در منطق قرآنی

آیه ۱۲۶ سوره نحل از جمله آیاتی است که در نگاه ابتدایی ممکن است به‌عنوان تأیید اصل مقابله به مثل تلقی شود، اما بررسی دقیق ساختار و مفاد آن نشان می‌دهد که قرآن کریم رویکردی کاملاً کنترل‌ی، محدودکننده و اخلاق‌محور نسبت به واکنش کیفری اتخاذ کرده است. عبارت «فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ» به‌روشنی بر اصل تناسب و برابری در واکنش کیفری دلالت دارد؛ اصلی که هرگونه انتقام‌جویی، تشدید مجازات و رفتار احساسی را نفی می‌کند.

مفهوم «مثل» در این آیه، نه تنها بر هم‌سنگی ظاهری مجازات با جرم، بلکه بر تناسب ماهوی و عقلانی آن نیز دلالت دارد. بدین معنا که واکنش کیفری باید در چهارچوب عدالت، عقلانیت و حفظ نظم اجتماعی باقی بماند و از تبدیل شدن به ابزاری برای خشونت مشروع جلوگیری شود. این محدودسازی، یکی از ارکان سیاست کیفری عقل‌گرا در اسلام به‌شمار می‌رود. در ادامه آیه، خداوند با عبارت «وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ» سطحی بالاتر از عدالت کیفردهنده را معرفی می‌کند. صبر در این جا نه به‌معنای انفعال، بلکه به‌معنای خودداری آگاهانه از اعمال مجازات در راستای تحقق مصلحتی برتر است. بدین ترتیب، قرآن کریم ضمن به‌رسمیت شناختن حق واکنش، از ترجیح اخلاق بر کیفر سخن می‌گوید؛ امری که سیاست کیفری اسلامی را از نظام‌های صرفاً انتقام‌محور متمایز می‌سازد.

۵- جایگاه عفو در سیاست کیفری اسلامی

آیه ۱۷۸ سوره بقره یکی از بنیادی‌ترین آیات قرآن کریم در حوزه حقوق کیفری است که غالباً تنها از منظر الزام به قصاص مورد توجه قرار گرفته و بخش مهمی از آن، یعنی نهاد عفو، کمتر تحلیل شده است. درحالی که ساختار آیه نشان می‌دهد قصاص نه هدف نهایی، بلکه یکی از گزینه‌های نظام کیفری اسلامی است. عبارت «فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ» نقش محوری عفو را برجسته می‌سازد. استفاده از واژه «أَخِيهِ» حاکی از آن است که حتی پس از ارتکاب شدیدترین جرم، یعنی قتل، پیوند انسانی و اجتماعی به‌طور کامل گسسته نمی‌شود. این نگرش، مبنای نظری مهمی برای ترجیح مصالحه، گذشت و جبران خسارت بر مجازات صرف فراهم می‌آورد.

همچنین، الزام به «اتِّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ» و «أَدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» نشان می‌دهد که فرایند جایگزین قصاص باید در فضایی انسانی، عادلانه و به‌دور از تحقیر بزه‌کار صورت گیرد. این بخش از آیه، به‌وضوح به سمت عدالت ترمیمی گرایش دارد؛ الگویی که در آن ترمیم آسیب، رضایت بزه‌دیده و بازسازی نظم اجتماعی بر انتقام‌گیری اولویت می‌یابد.

۶- تطبیق سیاست مقابله به مثل قرآنی با حقوق کیفری معاصر

حقوق کیفری معاصر، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، شاهد فاصله گرفتن تدریجی از الگوی صرفاً تنبیهی و حرکت به سمت رویکردهای انسانی‌تر بوده است. اصولی مانند تناسب جرم و مجازات، فردی‌سازی کیفر و پیشگیری از تکرار جرم، امروزه از ارکان اساسی سیاست جنایی دولت‌ها محسوب می‌شوند. با دقت در آیات مقابله به مثل و قصاص، می‌توان دریافت که قرآن کریم قرن‌ها پیش، همین اصول را در قالبی هنجاری و اخلاقی مطرح کرده است. محدودسازی مقابله به مثل، ترجیح صبر و عفو و امکان جایگزینی کیفر با جبران، همگی نشان‌دهنده نوعی سیاست کیفری پیشرفته و منعطف هستند که قابلیت تطبیق با نیازهای جوامع مختلف را دارد. از این منظر، برخلاف برخی ادعاها، سیاست کیفری اسلامی نه تنها با حقوق کیفری معاصر در تعارض ذاتی نیست، بلکه در بسیاری موارد می‌تواند

به عنوان منبع الهام برای اصلاح نظام‌های کیفری مدرن مورد استفاده قرار گیرد.

۷- جایگاه مقابله به مثل و عفو در پرتو نظام حقوق بشر

نظام حقوق بشر، به‌ویژه در اسناد بین‌المللی، بر کرامت ذاتی انسان، منع خشونت افراطی و انسانی‌سازی مجازات‌ها تأکید دارد. یکی از انتقادات رایج به حقوق کیفری اسلامی، عدم توجه کافی به این اصول است؛ انتقادی که اغلب ناشی از قرائت ناقص از آیات کیفری قرآن کریم است.

تحلیل جامع آیه ۱۲۶ سوره نحل و آیه قصاص نشان می‌دهد که قرآن کریم، با محدودسازی واکنش کیفری و توصیه به عفو، به‌طور ضمنی از کرامت انسانی حمایت می‌کند. حتی مجرم، صرفاً به عنوان موضوع مجازات دیده نمی‌شود، بلکه انسانی است که امکان بازگشت، اصلاح و ادغام مجدد در جامعه را دارد. بدین ترتیب، سیاست کیفری اسلامی، در پرتو تفسیر جامع و غیرتقلیل‌گرایانه، می‌تواند با اصول بنیادین حقوق بشر، به‌ویژه اصل تناسب، منع رفتار غیرانسانی و ترویج عدالت ترمیمی، هم‌پوشانی قابل توجهی داشته باشد.

۸- از مقابله به مثل تا عدالت ترمیمی

برآیند تحلیل آیات قرآنی نشان می‌دهد که مقابله به مثل در قرآن کریم نه یک اصل مطلق، بلکه حداقل واکنش مشروع در برابر تجاوز است. قرآن کریم، هم‌زمان با به رسمیت شناختن حق دفاع و واکنش، افق بالاتری را ترسیم می‌کند که در آن صبر، عفو و اصلاح اجتماعی بر مجازات ترجیح داده می‌شود. این رویکرد چندلایه، سیاست کیفری اسلامی را به نظامی پویا، اخلاق‌محور و قابل گفت‌وگو با حقوق کیفری معاصر و نظام حقوق بشر تبدیل می‌کند.

نتیجه

پژوهش حاضر با محوریت تحلیل مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی و مطالعه موردی آیه ۱۲۶ سوره نحل، تلاش کرده است تا هم ابعاد فقهی و قرآنی قصاص را روشن کند و هم ارتباط آن را با سیاست کیفری نوین بررسی نماید. یافته‌ها نشان می‌دهند که مقابله به

مثل در قرآن کریم و فقه اسلامی نه صرفاً به عنوان یک اقدام تنبیهی بلکه به عنوان یک ابزار عدالت محور، بازدارنده و اصلاحی مطرح شده است.

تحلیل آیه ۱۲۶ سوره نحل و دیگر آیات مرتبط، از جمله آیه ۱۷۹ سوره بقره، نشان می‌دهد که اجرای مقابله به مثل در فقه اسلامی مبتنی بر تناسب جرم و مجازات، رعایت حقوق اولیای دم و محدودیت‌های قانونی است. این آیات و دیدگاه‌های فقهی بر این نکته تأکید دارند که فلسفه قصاص تنها انتقام شخصی نیست، بلکه ابزاری برای بازدارندگی اجتماعی، حفظ نظم و امنیت جامعه و تأمین عدالت می‌باشد. دیدگاه مفسران و فقها نشان می‌دهد که مقابله به مثل در چهارچوب فقه اسلامی دارای محدودیت‌های مهمی است که شامل احراز قتل عمد، رضایت اولیای دم، تضمین عدم اشتباه قضایی و رعایت کرامت انسانی می‌شود. این محدودیت‌ها نشان می‌دهد که اجرای مقابله به مثل، اگرچه مجازاتی بدنی و سختگیرانه است، اما از نظر فقهی و اخلاقی محدود و هدفمند است و با اصول عدالت اسلامی همخوانی دارد.

با توجه به تطبیق مقابله به مثل با سیاست کیفری نوین، می‌توان گفت که اصول آن با بازدارندگی، تناسب مجازات و عدالت کیفری سازگار است، اما چالش‌های جدی نیز وجود دارد. مهم‌ترین این چالش‌ها شامل حقوق بشر، منع خشونت بدنی و ضرورت رعایت کرامت انسانی مجرم و قربانی است. در نظام‌های کیفری معاصر، رویکرد اصلاحی و بازپروری بزهکار اولویت دارد و تمرکز صرف بر مجازات بدنی کمتر مورد تأکید است؛ بنابراین، بازخوانی مقابله به مثل در حقوق امروز نیازمند تطبیق با استانداردهای بین‌المللی، تأکید بر حقوق بشر و استفاده از راهکارهای جایگزین مانند مصالحه و دیه می‌باشد. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مقابله به مثل می‌تواند چهارچوبی برای سیاست کیفری اسلامی متناسب با عصر حاضر فراهم کند، به شرط آن که محدودیت‌ها و ضوابط اجرایی به دقت رعایت شود.

به طور کلی، نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد که مقابله به مثل در قرآن کریم و فقه اسلامی، یک ابزار عدالت محور و بازدارنده است که قابلیت بازخوانی و تطبیق با نظام کیفری نوین را دارد.

بازخوانی و بازنگری مقابله به مثل، ضمن حفظ ارزش‌های دینی و فقهی، می‌تواند آن را با سیاست‌های کیفری مدرن، حقوق بشر و اصلاح مجرم همسو نماید. این بازخوانی نه تنها به بهبود عدالت کیفری کمک می‌کند، بلکه امکان ایجاد سازوکارهای قانونی و قضایی منصفانه و انسانی را نیز فراهم می‌آورد. در نهایت، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مقابله به مثل نه یک اقدام صرفاً تنبیهی، بلکه یک نهاد پیچیده حقوقی و اخلاقی است که در صورت بازخوانی و محدودسازی صحیح می‌تواند نقش مهمی در سیاست کیفری اسلامی و تطبیق آن با نیازهای حقوق کیفری معاصر ایفاء نماید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۷۹، **فرهنگ معاصر عربی - فارسی**، چاپ اول، تهران، انتشارات نی.

- بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵، **فرهنگ ابجدی عربی - فارسی**، ترجمه رضا مهیار، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی.

- حسینی خواه، سیدجواد و مقدادی داودی، مهدی، ۱۳۹۹، جایگاه اصل مقابله به مثل در مقاومت اسلامی،

دوفصلنامه فقه و اجتهاد، شماره ۱۴.

- حسینی دولت آباد، بی‌بی حکیمه و دوستکان، فاطمه، ۱۴۰۱، پژوهشی در تقابل مثل‌های رایج عصر حاضر با

قرآن کریم، **فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن**، شماره ۱۰.

- خطیبی، احمدرضا، ۱۴۰۴، تحلیل کارآمدی کیفر قصاص با رویکرد آسیب‌شناسانه به سیاست کیفری قضایی

ایران، **فصلنامه دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی**، شماره ۳.

- میرعلی، محمدعلی و عارفی، محمدناصر، ۱۳۹۸، جایگاه مقابله به مثل در سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن، **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره ۹۲.
- هوشمند، حسین و جاور، حسین، ۱۳۹۴، بررسی حدود مقابله به مثل حکومت اسلامی بر اساس آیات قرآن، **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره ۷۷.
- هوشمند فیروزآبادی، حسین، ۱۳۹۴، قاعده مقابله به مثل در قرآن، **فصلنامه حقوق اسلامی**، شماره ۴۷.

عربی

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۰۱، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات پر نیان اندیش.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، **القواعد الفقیهیه**، قم، انتشارات مدرسه الامام امیرالمؤمنین.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

- Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration
Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh
- Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage
Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh
- Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment
Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash
- Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia
Behnam Noorzadeh
- Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles
Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar
- Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment
Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour
- Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law
Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri
- Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System
Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani
- Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System
Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi
- Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law
Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei
- Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System
Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani
- Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System
Seyedeh Elaheh Babonaki
- Studying the Right to Employment of Women in International Law
Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari
- The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fakhmideh Judicial Complex
Leila Ahadi
- Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy
Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi
- a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to Legislative and Executive Challenges
Ali Babaei
- The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law
Elahe Ghorban Karimi
- Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to Identifying Legislative Gaps
Mona Komeyli
- Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System
Amin Reza Bahar Falamarzi
- an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units
Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour
- Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law
Mohammadreza Rezaei
- Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice
Esmail Chogani
- International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals
Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan
- Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba
Morteza Hashem Pour
- Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System
Amin Aminl Nezhad
- The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder
Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh
- Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution
Pouria Zhoulideh
- Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran
Razieh Hojjati Nezhad
- the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- Strategies to Combat and Deal with Cybercrime
Ahmad Padidar